

نظری به قوانین جزائی اسلام

- ۱۰ -

علی آلبر حسینی

## شرایط و قیود حدسرق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همانطوریکه اشاره کردیم اجراء حدسرق، آنقدر قیود و شرایط دارد و شریعت اسلام، آنچنان احتیاط های لازم را بکار برده است تا این مجازات به حداقل برسد و حتی الامکان دینی برده نشود.

این دقتها همیشه اجراء سایر برنامه های اخلاقی، تربیتی، اعتقادی و اقتصادی اسلام و اجراء عدالت اجتماعی، زمینه دزدی را کم می کند، و قطع دست دزد، بندرت اتفاق می افتد تا آنجا که می گویند در عرض ۴۰۰ سال تنهاش بار این حکم جاری شده بود. (۱)  
اینکه نمونه ای از شرایط و قیود این حدراکه از بررسی روایات و متون فقهی دست آمده است، روشن می سازیم:

۱- شبهات حول الاسلام قضا و عدالت در اسلام.

۱- سارقی که حد در باره اش اجرامی شود باید ماعقل باشد. بردوانه و مجنون حد جاری نمیشود.

۲- سارق باید بالغ باشد ، بر کودک حد جاری نمیشود. (۲)

۳- سارق باید با اختیار و اراده خودش مرتکب سرقت شده باشد.

۴- کلاهی مسروقه باید از نظر شرع ، عنوان مال داشته باشد (نه هر چیزی ...)

۵- ارزش جنس سرقت شده باید کمتر از ربع دينار شرعی طلا نباشد.

۶- سارق باید هنگام ارتکاب سرقت تکمیل اسلام و حد سرقت را بداند و جاهل به آن نباشد.

۷- سارق اجیر یا مهمان نباشد که در آن صورت دزدی اجیر از صاحب کار یا مهمان از میزبان خیانت است و حکم دیگری دارد.

۸- سرقت پدر و مادر از مال فرزند موجب حد نیست.

۹- برای سرقت طعام و مواد غذائی در سالهای حطی از قبیل گندم و برنج و انسان و گوشت ، دست سارق بریده نمی شود. چنانکه امام صادق (ع) از امیرمؤمنان (ع) نقل میکند که: «کان امیرالمؤمنین لایقطع السارق فی ایام المعاجه ، و لایقطع فی سنة المعجل (خشک سالی شدید) فی کل شیء یؤکل مثل الخبز واللحم و اشیاء ذلك ، (۱)

۱۰- و نیز در ایام جنگ ، دست سارق بعثت دزدیدن خوراکی بریده نمی شود.

۱۱- دست مسلمان و سر بازیکه از غنائم جنگی که خودش شرکت داشته ، و چیزی برداشته است ، قطع نمی گردد .

۱۲- دزدی شریک از مال شریک دیگر که آنرا مالک خود با حق و قسمت خویش می داند موجب حد نیست .

۱۳- اگر شخص متهم پیش از اثبات دزدی در پیش حاکم شرع آن مال را بپرداخته یا بعنوان ارض مالک شود ، از حد معاف است .

۱۴- اگر احتمال داده شود که بردن کالا ، بقصد سرقت نبوده باز حد جاری نمیشود.

۱۵- اموال مسروقه اگر از محرمان باشد (مثل شراب و گوشت خوک) دست دزد قطع نمی شود .

۱۶- شرط دیگر آنست که مال را از مکانی بردارد که دزدی تحقق یابد و از اجایی که ورود به آن منوط به اجازه مالک یا صاحب منزل باشد ، پس بردن مال از منزل پدر و برادر و خواهر و یا مسجد و حمام و اماکن عمومی مستلزم حد نیست (۲)

۱۷- مال را از هر گز جایی که محدود است و دیواری دارد ، بیرون ببرد مثل اینکه

۱- امام صادق فرمود: لا حد علی مجنون حتی یفین ولا علی سبی حتی یتولد. فروع کافی و کتاب حدود و سبیل .

۲- فروع کافی کتاب حدود .

(۲) و (۳) نکته قابل توجه : اینکه در بسیاری از این مواد و مشاهد آن هر چند بخاطر عدم تحقق شروط حد دزدی جاری نمی شود ولی بعنوان تعزیر و تأدیب حاکم شرع و قاضی اختیار دارد که بدینسان آن جرم مجازاتهای دیگری در نظر بگیرد .

چهاروا از صندوق یا گاوستندوق یا مسوره را از باغ و چهارپایان را از طویله ... بیرون ببرد و با قفل را بکشد .

۱۸- مال را بطور پنهانی و خفا ببرد نه آشکارا.

۱۹- شرط دیگر آنست که سارق شخصاً مال مسروق را از حرز (یعنی جایی که محدود است مثل حصاره ترده و انبار و نظایر آن) بیرون ببرد . پس اگر آشکارا مال را بر ماستین یا حیوان بارکش حمل کند و یا کودک را همراه ببرد و مال را بردارد حد اجرا نخواهد شد. (۳)

۲۰- هرگاه سارق پیش از ثبوت سرقت در نزد حاکم شرع توبه کند (مال مسروقه استرداد می شود) ولی حد ساقط نمی گردد .

۲۱- برای اثبات سرقت باید دو نفر عادل شهادت بدهند یا یک نفر عادل شهادت دهد و صاحب مال هم سوگند یاد کند یا خود سارق دو مرتبه اقرار کند و هر گاه یکبار اقرار کرد و دیگری حاضر با اقرار شد متحقق صاحب مال برگردن او است و باید پس بدهد ولی حد سرقت بر او اجرا نمی شود .

۲۲- در اجراء حد سرقت ، شرط است که صاحب مال اضیبه را تعقیب کند ... (\*)

۲۳- یکی از شرایط اجراء حد آنست که حکومت مجری حد موافق و مطابق با موازین شرع باشد و اگر حکومت مطابق شرع و اسلام نبود و قوانین اسلامی اجراء نشد ، نمی تواند حد شرعی جاری کند ...

۲۴- تا زود وقتیکه تمام شرایط و فیوض سرقت ، کسالت ثابت شد باز راههای فرار از حد در پیشهای اوست که از جمله بررسی پرونده و سابق شخص گناهکار را در نظر می گیرند .

امیر مؤمنان (ع) به سارقی که به گناه خود اقرار و سپس توبه کرده بود فرمود :

ایا چیزی از قرآن حفظ داری .

سارق آوی - سوره بقره را از حفظ می خوانم .

امیر مؤمنان (ع) فرمود من ترا بسوره بقره بخشیدم . (۱)

مستأصلان ، و یا کلاهدراری و سرقت از غنیمت و یا سرقت اجیر و امثال آن از موارد خیانت است و مجازات دیگری دارد .

امام فرمود : اربعة لا یقطع علیهم ، المختلس والغلول و من سرق من الغنیمه و سرقة الاجیر ، فانها خیانة . فروع کافی ج ۷ کتاب حدود .

و یاد موارد دزدی مسفحانه و آنگستری که آشکارا دزدی می کند حکم دیگر دارد که گاهی بمصدق محاروب یا مفسد فی الارض و ... حتی محکوم به مرگ است

(\*) عن ابی عبدالله (ع) قال من اقر علی نفسه عند الامام بحق احد من حقوق المسلمین

فلیس علی الامام ان یتیم علیه الحد الذی اقر به عنده حتی یعضر صاحب حق العدا و ولیه

فیطلبه بعقه ... فروع کافی ج ۷ کتاب حدود .

۱- وسائل الشیعه



پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۲۵- در تمام مواردی که سرقت بوسیله اقرار ثابت شده است، اقسام و تالیفات او (حاکم شرع) اختیار دارد که هرگاه صلاح بداند گناهکار را مورد عفو قرار دهد. و به خاطر مصالحی از اجراء حد صرف نظر کند. (۲)

\* \* \*

با توضیحاتی که در این زمینه دادیم و شایع و متجاوز از بیست و پنج شرط و قید ابرایش قائل شده که هر یک بمنزله چراغ سبزی برای عبود است و گوش خدا می‌خواهد تا آنجا که ممکن است اجراء حد را به تأخیر بیندازد و از راه‌های دیگر سارق را متوجه و تنبیه کند.

بعلاوه با اختیار ویژه‌ای که به حاکم شرع داده است، اسلام حتی الامکان تسبیح و استغاثی که برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی باید کار کند و گرم‌گشائی نماید و خود خدمت فرد، و خانواده و اجتماع بکافقت یا دستی که باید برای نیایش بسوی خداوند دراز شود و همانگونه که در بحث گذشته اشاره کردیم، آندوارزش دارد که اسلام دین مسکینی برای شکستن و قطع ناجبای آن قائل شده است، قطع کند مگر برای اصلاح جامعه و قطع تعاوز به مال و جان و... مردم، با روشه‌کی فساد، ناگزیر شود، دست ناپاکی را قطع نماید که خود بمنزله جراحی است که مسبب دلسوز برای حفظ سلامت بیمار و جان انسان، ناگزیر از قطع عضوی فاسد و خطرناک است، در صورت عدم شرایط و عدم اجرای عدالت اجتماعی و حقوق افراد و مساعد نبودن زمینده اسلامی محیط.

بنا بر این ادعای خشونت و بی‌رحمی و ایجاد هر و جنجال که اسلام حمایت‌خون راه انداخته یا سلاحخانه‌ای با قطع دست و... دایر می‌کرده است، بوج و بی-اساس است.

مطلب زیرین و در حقایق یاد شده است.

در زمان امام رضا (ع) پیرمرد ظاهر الصلاحی را که آنقدر سینه دریشانی داشت به عنوان دزدی به پیش مأمون آوردند. مأمون تا آن قیافه آراسته را ندید، گفت: وای بر تو، با این قیافهات خیال نکشیدی که دزدی کردی؟

پیرمرد گفت: من از شدت فقر ناچار شدم، بعلاوه: سبکت و سرقت: نمود زندی کردی که من نازد شدم، مأمون با ناراحتی گفت: اگر اثبات نکسی گردنت را می‌زنم...

گفت تو حقوقی را که خداوند از خمس و غنایم برای من قرار داده، به من ندادهای...

مأمون - توبه: حقی درخس و غنایم داشتی؟

پیرمرد: خدا خمس را به شش قسمت تقسیم کرد، حق خدا، پیامبر، ذوی‌القرای، بیعتن و احوالیان و دوستانگان در سفر. و تو آنها را بحق و عدالت تقسیم نمی‌کنی.

من در سفر درم اندام و بیوا و آردستم و از جمله حفاظ و پاسدار قرآن هستم و در سفر و ناله گرفتارم.

مأمون - می‌پنداری با این کتک و... ترا از حد معاف دارم و حد خدا را تعطیل کنم؟

پیرمرد: گفت: ان الخبث لا یظهر خبیثاً مثل انما یظهره طاهر: آمده نمی‌تواند آلوده‌ای را پاک و تظهِر کند. توبه‌ت باید خود، حد بخوری تا بس دیگران را حد بزنی.

مأمون بسختی برآخته بود و چاره‌ای نداشت و به حضرت رضا (ع) که در کنارش نشسته بود کرد و گفت این مرد چه می‌گوید؟ حضرت فرمود: بهشودش آنست که «سرفت فسرف» توست کردی که اوسرفت کردی، پس تو باید حد بخوری.

مأمون باعظم گفت: بعدا سو گوید که دست را قطع می‌کنم.

پیرمرد گفت: چگونه می‌توانی و حال آنکه توبه‌ت من هستی.

مأمون - چگونه بنده توام...

پیرمرد گفت: از آنجا که مادر تو از بیت‌العمال مسلمین خریداری شده و توستندة همه مسلمانان جهان هستی.

مگر آنکه همگی ترا آزاد کرده باشند که مسلماً من ترا آزاد نکرده‌ام!

بعلاوه خمس اموال را تصاحب کرده‌ای، پس له حق آل رسول را داده‌ای و نه حق مردم را، و نیز چون ناپاکی نمی‌توانی بر من حد جاری کنی و...؟

مأمون که بیچاره شده بود و به حضرت نمود که چه باید کرد؟

امام در پاسخ فرمود: خدا تارای حجت و پیرهان رسا است «قلنه العجبه الیافغه» (۱)

و ایترون حجت بالقد آورده است...

مأمون ناچار شد که او را آزاد معاف دارد. (۲)

مأمون تا چاره‌اش را ندید، وقتی که جرم نزد حاکم شرع ثابت شده و عطف است آنرا اجراء کند و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از این اجراء شود مگر آنکه مصالحی ارجح باشد، تا طرف را معاف سازد.

سران قبیله یمنی مجزوم بود برای وساطت از زنی از اشراف قبیله خود پیام امانت‌بخش (مغزومیه) که سرقت کرده بود و اوسط شدند تا پیامبر را از اجراء حد بازدارند، که مبادا این امر آنقدری در قبیله آنان باعث... اسامه بن زید پسر خنوفه پیامبر را به عنوان صلح انتخاب می‌کنند تا خواسته سران اعیان را تعدد بپیامبر عرض کند و بهر تریسی که باشد از او شفاعت کنند.

(۱) سوره تغابن آیه ۲۴

(۲) بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۸۸-۲۹۰

یعنی این آیه نیز مکمل آیه قبلی و معانی است که درباره باریدن باران و زنده شدن زمین زنده و انسان ها نیز مجدداً از زمین زمین و موادی که در این زمین است ساخته میشوند و قابلیت زندگی مجدد ویرانگشته شدن را می یابند .  
تفسیر :

تذکر در آیات شش گانه فوق همانطور که در پیش آوریم زندگی و انسان را از اجزای شروع و خلقت او نماند و معاد و برگشت یا زندگی مجدد اوضح داده و در قاصه بین این مباحث و معاد زندگی در این جهان را در اجتماع انسان ها با بهره گیری از قوانین مسلم طبیعی (که انسان باید آنها را بشناسد و بپذیرد) رسم کرده و هم گذشته و هم حال و هم آینده نوع انسان را نشان داده است .

یعنی پاسخ بسوالات چگونه آمدیم - چگونه میرویم - چگونه باید باشم و چگونه خواهم بود و میدانیم که انسان بزرگترین آیه خداوند در روی زمین است و قرآن و آیات آن برای راهنمایی همین انسان نازل شده است و مخاطب اصلی هم او است .

پس با مقایسه بنیدن بارش باران و روئیدن گیاه و زنده شدن زمین ، انسان نیز دورتبه زنده میشود منتها نوعی زندگی دیگر و میدانی که یکی از گامهائی که خداوند حکمت های خود را بمانده ها نشانده است مثال است که تلك الامثال نصریها للنفاس لعلمهم بتفکرون . (سوره ۲۱ آیه ۵۹) و تمام اینها مثال است تا مطلب به علم ما نزدیک باشد و چون فهم بشر روز بروز و تکامل میرود و مسائل شناسائی او کاملتر میگردد روز بروز مثل های خداوی که در قرآن آمده برای اکثریت بلکه همه مردم قابل فهم تر و روشن تر میشود و این از معجزات بزرگ قرآن است .

خداوند در آیه بعدی یعنی آیه ۲۵ برای تسجیل این امر تأکید فرموده که از آیات دیگر خداوندی بر باریدن آسمان و زمین به امر او یعنی قوانین و سنت های او است و وقتی که شمارا مجدداً به حیات خواهد شاد زنده میشود و از زمین خارج میشود یا بیرون می آید . همانطور که گیاه از زمین بیرون می آید .

بقیه ششم لفظ و قیود حدسرتقت

پیامبر یا ششم فراوان گفت : آسمان ، آید باره تعطیل حدی از حدود خدا شفاقت

می کنی ۱۹ .

آنکه برخاست و در مجمع عمومی مهاجر و انصار چنین فرمود : علت علالت اقوم و نابودی مردمان پیشین آن بود هر گاه شخص صاحب نفوذی از آنان، دزدی میکرد قانون درباره اش اجرا نمی شد ولی اگر اراد ضعیف دست بسرقت میزدند و خلاف می کردند قانون حد را درباره اش اجرا می کردند .

خدا سوگند اگر حتی دختره فاطمه دزدی کند دستش را قطع می کنم !! (۷)

ادامه دارد

(۲) روح الدین الاسلامی ص ۳۶۱